

رادیکالیسم راست، اسلامیسم و چالش زنان ایرانی در دایاسپورا



متن سخنرانی

منیره کاظمی

در سمینار سراسری سالانه‌ی تشکلهای مستقل زنان و
زنان دگر- و همجنس‌گرای ایرانی

14 تا 16 فوریه 2010 (فرانکفورت)

برگرفته از گاه‌نامه، نشریه زنان - شماره‌ی 97 مارس 2020

۱- مشخصات مشترک رادیکالیسم راست و اسلامیسم

هویت جمعی

برای هر دو جریان هویت عنصری است محوری، که تعریف شفافی از آن وجود دارد (رجوع شود به «هویت»، تحمیل یا انتخاب؟ (*). دوران طلایی گذشته با خوانشی معین از هویت برای هر دو جریان یک کعبه آمالی است که باید برای آن مبارزه کرد. دنیای انسانی آنها دو رنگه است: سیاه و سفید، دوست و دشمن، کافر و مومن، شر و معصوم، شیطانی و الهی، خودی و غریبه، نژاد برتر، نژاد پست و غیرو.

عمر بکری محمد (ملقب به معمار جهادیسلم انگلستان) میگوید: اگر سیاست هویت جمعی در غرب وجود نداشته باشد، کسی به فکر این که آیا هویت‌اش مورد تبعیض است یا نه نمی‌افتد و این موضوع کار را برای ما سخت می‌کند (**).

پاکسازی

اسلامیست‌ها معتقدند، ما بین مسلمانان و کافران صلح برقرار نخواهد شد. فضاهای خاکستری ما بین سیاه و سفید باید پاک شوند، تا بتوان پاکسازی کرد. رادیکالیسم راست نیز می‌خواهد که جامعه از مهاجر خارجی پاک شود.

عامل ترور کریستچرچ نیوزیلند معتقد بود که او ناجی نژاد سفید است و با ترور می‌تواند مانع جابه‌جایی نژادهای دیگر شود.

اردوگان هم از ترور کریستچرچ برای تبلیغات انتخاباتی استفاده کرد و گفت: مخالفت دنیای غرب با مسلمانان همیشه‌گی است و سیاستمداران اتحادیه اروپا دشمنان اسلام هستند.

مبارزه‌ای دایمی

یکی از مهم‌ترین عناصر وجودی هر دو جریان، پذیرش مبارزه‌ای مداوم و هر روزه علیه هر چیزی است که ایدئولوژی را تهدید کرده و یا در معرض خطر قرار می‌دهد. از همین رو ست که هردوی این جریان دارای دشمن و دشمنانی مشخص هستند. برای پیروزی بر دشمن نیز، ستیزی دایمی ضروری است، که علیه نشانه‌های هر نظم و ارزشی که با ارزشهای ایدئولوژیک مطابقت ندارد، می‌بایست که مبارزه کرد.

تهدیدی دایمی

خواست قطبی شدن و برهم زدن ساختار جامعه‌ای باز و لیبرال (دموکراسی موجود)، دو جریان راست رادیکال و اسلام‌گراها را به هم پیوند می‌زند. چرا که جامعه‌ی لیبرالی به خاطر ترویج پذیرش تفاوت‌ها و همزیستی مسالمت‌آمیز، و وجود فضای حداقلی برای رادیکالیسم (از هر نوع‌اش) تهدیدی است برای هر دو جریان.

نقش قربانی

اسلامیست‌ها خود را قربانی راسیسم «غربی» و ضدیت غرب با اسلام دانسته و از این طریق از یک سو حس ترحم و همدردی در مخاطب را

برمی‌انگیزند، و از سوی دیگر از میان جوانان به جلب نیرو اقدام می‌کنند.

راست‌های رادیکال نیز خود را قربانی سیاست‌های لیبرالی دانسته که از آن‌ها، چه از سوی مسوولان و چه از سوی رسانه‌ها، در مقابل مهاجران و اسلام‌پس‌تها حمایت نمی‌شوند.

تئوری توطئه

اسلام‌پس‌تها و راست‌های رادیکال با این‌که هر کدام خود را ضربه‌ناپذیر، قوی و از برترین‌ها می‌دانند، اما مدام از این‌که مورد تبعیض و تهدید قرار دارند، شکوه می‌کنند. همواره نیروهای مخوفی آن‌ها را زیر نظر داشته و مورد تهدید قرار می‌دهند.

یکی از نمونه‌های آن، اتهام کنترل یهودیان بر تمام رسانه‌های عمومی و ابزارهای اطلاع‌رسانی است. از همین‌رو ست که تمرکز فعالیت هر دو جریان بر شبکه‌های اجتماعی (فیس‌بوک، اینستاگرام، تلگرام و غیره) است. برای مثال زمانی که اسلام‌پس‌تها معتقدند که اگر همه مسلمانان از آن‌ها پیروی نمی‌کنند و خود را با فوتبال و برنامه‌های سرگرم کننده مشغول کرده‌اند، و یا راست‌های رادیکال شکایت دارند که همه‌ی عموم ملت (آلمان) در حمایت از آن‌ها به پا نمی‌خیزند، هر دو جریان علت آن را رسانه‌های عمومی دانسته که شهروندان را کور و کر کرده‌اند.

جنسیت و گرایش جنسی

یکی از پررنگ‌ترین تشابه این دو جریان عقیدتی سیاسی در مخالفت با حق تعیین سرنوشت زنان می‌باشد. هر دوی این گروه، برای زنان، نقش مادری و بازتولید را تعیین کرده و در این راستا علیه حق سقط جنین هستند. آن‌ها توافق دارند که مسوولیت زن نگه‌داری بچه‌ها و سالمندان و پرداختن به امور خانه است. آن‌ها همچنین علیه پذیرش چندگونه‌گی گرایش‌های جنسی در میان انسان‌ها هستند.

در هر دو جریان مردانه‌گی، گفتمان غالب است، و زنان جانی و فرودست می‌باشند. اگر چه زنان نه فقط به عنوان قربانی، ولی در جای‌گاهی تعیین شده (نقش‌های جنسیتی با مسوولیت‌های معین) در ترویج و گسترش ایدئولوژی عهده‌دار مسوولیت هستند.

اسلام‌پس‌تها با اعمال جدایی جنسیتی و همچنین داشتن کدهای معین در

پوشش، رفتار و نقش‌های اجتماعی، تاکیدی اعیان بر مردانه‌گی جهت انتشار و انتقال عقیده و مبارزه برای رسیدن به آرمان‌های خود دارند.

به گفته‌ی بیورن هوکر از حزب آ.ا.د: «ما باید مردانه‌گی خود را دوباره کشف کنیم. زیرا تنها هنگامی که مردانه‌گی خود را دوباره بازیابیم، مردانه خواهیم شد. و فقط اگر مردانه شویم، می‌توانیم دفاعی عمل کنیم» (***) .

۲- هم‌کاری‌های مشترک

قطبی کردن جامعه و از بین بردن ارزش‌های لیبرالی موردی است که راست‌های رادیکال و اسلامیت‌ها را به هم پیوند می‌زند. از همین‌رو است که می‌بینیم افرادی از این رادیکالیسم به آن دیگری در حرکتند (یک نمونه ساشا ل. از برانشوايگ است).

هیتلر نیز در گفتاری ستیزه‌جویی جنگ‌طلبانه و واقع‌بینانه‌ی اسلام را ستایش کرده بود (****).

در اکتبر سال ۲۰۰۲ یکی از سخنرانان میهمان مراسم حزب‌التحریر (که در سال ۲۰۰۳ فعالیت آن در آلمان ممنوع شد) Udo Voigt رهبر حزب نئونازی NPD بود. همین شخص نیز بارها با مقامات ایرانی تماس و دیدار داشته است.

۳- اسلامیت‌های قانون‌گرا، برقراری حکومت اسلامی بدون خشونت و در لباس مذهب و هویت

خشونت‌های اسلام‌گرایان، از آنجایی آغاز نمی‌شوند که اسلحه به دست گرفته و یا با کامیون به جمعیت زده می‌شود. خشونت از آنجایی آغاز می‌شود که جداسازی جنسیتی، چندهم‌سری، حجاب دخترکان، حق ارث نابرابر، ازدواج اجباری، حق طلاق و حق حضانت، ازدواج کودکان، شلاق، قطع دست و پا، اعدام و غیرو قوانین الهی و تغییرناپذیر قلمداد می‌شوند. و در ادامه قبول حقوق برابر، برای زن و مرد، برای اقلیت‌های جنسی و بی‌خدایان، مبارزه با قانون الهی اعلام می‌گردد. قوانینی که بالاتر از قوانین مدنی (زمینی) قرار دارند، که از سوی جوامع انسانی در طی مبارزات به دست آمده‌اند، و از همین‌رو است که باید تنها آن‌ها مورد توجه و اجرا قرار گیرند. و باز این ترورها

نیستند که شالوده‌ی جیامعه دموکرات را تغییر می‌دهند، بلکه توسعه‌ی خزنده‌ی نفوذ اسلام‌گرایان در شبکه‌های انجمن‌ها، سازمان‌ها و احزاب فعال در جامعه هستند که دست‌آوردهای حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صدها سال مبارزه را مورد تهدید قرار داده است.

بسیاری از اسلام‌گرایان در غرب (آلمان) از به کار بردن خشونت فاصله گرفته و برای رسیدن به مقاصد خود از آن امتناع می‌ورزند. اما در رسیدن به اهداف افراطی خود با استفاده از ابزارهای دیگر (نفوذ در احزاب و لابی‌گری با سیاستمداران) در نظام حقوقی موجود و همچنین با روی آوردن به تحصیلات عالی، رسانه‌های عمومی و شبکه‌های اجتماعی، راه را بر عادی سازی مقاصد خود هموار می‌سازند. آن‌ها بر خوانش و تشریح معینی از قرآن پای فشرده و معتقدند قوانین و دستورالعمل‌های شرع اسلامی، بدون در نظر گرفتن زمان و مکان، قابل اجرا بوده است و همه را در بر می‌گیرند. آن‌ها مخالف هر گونه نسبی‌گرایی در مورد قوانین شرع هستند.

استراتژی دوگانه

اسلام‌گرایان قانون‌گرا با لابی‌گری سعی در نفوذ در سیاست و بطن جامعه دارند. در حالی که از دیگران خواستار پذیرش و رواداری در مقابل ایدئولوژی‌شان هستند، و حتا ادعای تحمل و شنیدن حرف مخالف را دارند، اما همچنان حافظ گرایش‌های غیردمکراتیک و توتالیتار در ساختار گروهی، و همچنین عقیدتی خود بوده‌اند و خواستار تداوم آن‌ها هستند.

هدف اسلام‌گرایان قانون‌گرا این است که با مرسوم و عادی سازی نشانه‌های ایدئولوژی خود در دراز مدت، بخش‌های دموکراتیک جامعه را در راستای قوانین شرعی تغییر دهند.

برای رسیدن به این هدف، آن‌ها انجمن‌های مذهبی، فرهنگی، قومی، آموزشی ایجاد کرده‌اند، که از یک سو برای عرضه خدماتی برای اعضا و همچنین محلی برای گسترش ایدئولوژی خود مورد استفاده قرار گرفته، و از سوی دیگر از طریق چهره‌هایشان سعی دارند خود را به عنوان نماینده‌گان همه‌ی مسلمانان به قانون‌گذاران و سیاستمداران معرفی کنند.

لیست بلندبالایی از این نوع انجمن‌ها و حامیان آن‌ها در میان مقامات دولتی، غیردولتی و دانشگاهی، ارگان‌های حمایت‌کننده‌ی آموزشی و کمک‌دهنده‌گان مالی از بودجه‌های دولتی و غیردولتی آن‌ها را می‌توان

ارایه داد که در این مقاله نمی‌گنجد. و تنها به دو مورد در زیر اشاره می‌شود. لازم است بیان شود که اسلامیه‌های قانون‌گرا توانسته‌اند یک شبکه‌ی قوی اطلاعاتی، ارتباطی و آموزشی نیز در جامعه‌ی آلمان ایجاد کنند که در کنار شبکه‌های مساجد (به خصوص مساجدی که ارتباط سیاسی و مالی مستقیم با دولت‌های خارجی دارند) مشغول به عادی سازی و ترویج اسلامیه می‌باشند.

- انجمن خیریه‌ی اسلامی Relief که ارتباط که آن با حماس از سوی نهاد حفاظت از قانون اساسی ثابت شده است، در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷، یک و نیم میلیون یورو و در سال ۲۰۱۶ دو و شش میلیون یورو از وزارت خارجه‌ی آلمان دریافت کرده است.

- انجمن‌های اسلام‌گرا برخلاف ادعای خود و مدافعان‌شان (ارگان‌های دولتی، احزاب و نهادهای یاری دهنده) که گویا آن‌ها مروجان تکثر و گونه‌گونی در جامعه می‌باشند، با اجرای پروژه‌هایی زیر نام «جامعه‌ی میزبان‌پذیری»، با تبلیغ یک خوانش از اسلام در حقیقت علیه تکثرگرایی مشغول بوده، که متأسفانه به بهانه‌ی ترویج دهنده‌گان رنگارنگی، یکی بعد از دیگری جوایز و حمایت‌های مالی دریافت می‌کنند (برای مثال عکس روبه‌رو و اهدای جایزه به یکی از زیرمجموعه‌های جامعه‌ی احمدیه در ایالت هسن).

آیا همه‌ی این‌ها، تنها به سیاست‌های ارگان‌های دولتی و غیر دولتی آلمان و همچنین فعالیت‌های گسترده‌ی اسلام‌گرایان برمی‌گردد؟ آیا اگر اسلامیه‌های قانون‌گرا در رسیدن به اهداف‌شان موفق بوده‌اند، تنها به خاطر داشتن حمایت‌های مالی و حقوقی از آن‌ها است؟ و یا این که کم کاری و یا فقدان فعالیت‌های مهاجران سکولار از جمله ما زنان ایرانی نیز در این امر دخیل بوده‌اند.

۴- جای‌گاه ما (زنان ایرانی) در دیاسپورا

اگر در غرب به مساله‌ی مبارزات زنان ایران علیه حجاب و قوانین ضد زن شرع کم اشاره می‌شود، اگر احزاب آلمانی به نام تکثرگرایی و حمایت از مسلمانان به دفاع از ایدئولوژی ضد انسانی و ضد زن اسلامیه می‌پردازند، اگر نماینده‌های ایرانی الاصل پارلمان آلمان یا ساکت هستند و یا حتا به مداخلات با رژیم ایران می‌پردازند، اگر رسانه‌های آلمانی فقط یک تصویر از مسلمان و یک خوانش از اسلام را ارایه می‌دهند، و اگر حکومت ولایت فقیه در همین آلمان هر آنچه که می‌خواهد می‌برد و می‌دوزد و از بودجه‌های دولتی (مالیات شهروندان

آلمانی) کرسی دانشگاهی الاهیات (برای نمونه در دانشگاه همبولت برلین)، انجمن، مسجد و تکیه و دسته‌جات سینه‌زنی در خیابان‌ها و... به راه می‌اندازد، از کم‌کاری و کوتاهی ما نیز هست.

بیاییم شباهت‌ها و نقاط مشترک اسلام‌یسم و عقاید راسیستی را برشمریم. متأسفانه در اذهان و رسانه‌های غربی (آلمان) جریان‌هایی مانند پگیدا و یا احزابی مانند آ اف د، منتقد اسلام لقب گرفته‌اند. این ما هستیم که با بلند کردن صدایمان می‌توانیم تفاوت ما بین افکار و تئوری‌های مهاجر و بی‌گانه ستیز و نقد به اسلام‌گرایی را آشکار سازیم.

خطاب به فعالان و احزاب چپ، سوسیال دموکرات و سبزها خاطرنشان شویم: مادامی که گوشی برای شنیدن تجربه‌ها و اخطارهای ما ایرانیان ندارند، وقتی صدای ما در هیچ رسانه‌ای انعکاس ندارد، و در نقد اسلام‌یسم، صحنه برای راست‌های ضد‌مهاجر خالی می‌ماند، اتفاق آن‌ها (فعالان سیاسی، اجتماعی و احزاب چپ، سوسیال دموکرات و سبزها و غیرو) هستند که آب به آسیاب رادیکال‌های راست می‌ریزد.

درشک‌های اعقاید و تئوری‌های ضدزن و ضد انسانی و توتالیتار، دو اسب دارد: «اسلام‌یسم و رادیکالیسم راست». روشن است که باید با هر دو مبارزه شود. غربیان (آلمان‌ها) ده‌ها سال است که در سطوح مختلف به تئوری‌های توتالیتار نازیسم و نژادپرستی پرداخته و همچنان سرگرم شکافتن و شناختن ابعاد مختلف آن‌ها می‌باشند. ولی اسلام‌یسم برای آن‌ها ناشناخته است. به خصوص که این ایدئولوژی توتالیتار و دشمن جامعه‌ی باز با ارزش‌های لیبرالی، لباس مذهب و فرهنگ را بر تن داشته و به شبکه‌های فوق‌العاده وسیع و کارآرایی مانند مساجد و انجمن‌های مذهبی و فرهنگی و غیرو (در چند سال اخیر کودکان و گروه‌های تربیتی دانش‌آموزان و...) مسلح می‌باشند. اکثر غربیان (به خصوص در محیط‌های دانشگاهی) تفاوت ظریف اما فوق‌العاده مهم ما بین اسلام دارای دستورکار سیاسی و هدف چیره شد بر جهان، و اسلام به عنوان مذهب و اعتقادات شخصی (بمانند مادر بزرگ‌هایمان) قایل نیستند. شاید چون بر عکس ما هر دوی آن را تجربه نکرده‌اند. اگر چه از این‌جا و آن‌جا (از جمله ایران) زنگ خطرهایی به گوششان می‌رسد، ولی آن را به جامعه‌ی خود مربوط ندانسته، بلکه مربوط به دور دست‌ها می‌دانند. و معتقدند دموکراسی موجود در غرب قوی‌تر از آن است که بتواند با این تهدیدات کمر خم کند. در صورتی که تنها تعداد اعضای شاخه‌ی ناسیونالیست اخوان‌المسلمین ترکیه (گرگ‌های خاکستری) در آلمان بین سی تا پنجاه هزار تخمین زده می‌شود (*****).

از اینرو است که ما زنان مهاجر ایرانی، به عنوان شاید بزرگ‌ترین دسته از مهاجران که با شیوه‌ها و ترفندهای اسلامیت‌ها به خوبی آشنایی داریم و آن‌ها را با پوست و گوشت خود تجربه کرده‌ایم، نقشی هدایت‌کننده در آشکار ساختن ظرافت‌های مبارزه با عادی‌سازی و توسعه‌ی اسلامیت در کشور میزبان و جهان می‌توانیم داشته باشیم.

0- راه‌کارها

- تشکیل شبکه‌های ارتباطی ایرانی با هدف:

اطلاع‌رسانی

واکنشی (تنظیم نامه‌های اعتراضی و یا بیانیه‌های دادخواستی و جمع‌آوری امضا) در زمانی که لازم است صدای (دیگری) ما هم شنیده شود.

لابی‌گری با احزاب، سیاستمداران، چهره‌های هنری، ادبی و فرهنگی

ارتباط مستمر با رسانه‌های محلی و سراسری

- تشکیل گروه‌های مجازی و غیر مجازی با گردآوری اعضای غیر ایرانی با هدف:

در جریان قرار دادن و انعکاس دادن وقایع، مقالات و تجربه‌های شخصی‌مان

جلب حمایت در جمع‌آوری تجربه‌های شخصی در مبارزه با اسلامیت‌ها در ایران و دیاسپورا و چاپ آن‌ها به زبان آلمانی و دیگر زبان‌ها

- تشکیل انجمن‌های رسمی (ثبت شده) با هدف

مقابله با اسلامیت در ابعاد مختلف آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی

یاری‌رسانی به دختران و زنان خشونت‌دیده و قدرت‌مندسازی آنان

ارایه‌ی خدمات مشاوره و راه‌نمایی برای دختران و خانواده‌ها

ایجاد شبکه‌های ارتباطی با انجمن‌های زنان از ملیت‌های دیگر

ایجاد ارگان‌های پژوهشی و حمایت مالی از دانشجویانی که مایل هستند در زمینه‌ی اسلامیت تحقیق کرده و یا پایان‌نامه خود را تنظیم کنند.

تعیین جایزه سالانه برای پایان نامه‌های دانشجویی

معرفی و انتشار عمومی لیست عنوان پژوهش‌ها و کتاب‌های منتشر شده

معرفی و انتشار لیست فیلم و کاریکاتور و غیرو

تشکیل کارگاه‌های آموزشی

برگزاری جلسات بحث و گفت‌وگو و دعوت از صاحب‌نظران و آسیب دیده‌گان

<http://iran-women-solidarity.net/spip.php?article3263>

MUSLIMFEINDLICHKEIT, ISLAMISMUS UND DIE SPIRALE
GESELLSCHAFTLICHER

POLARISIERUNG, IZD, s.7

Björn Höcke am 18. November 2015 in Erfurt

Interview: Dr. David Motadel über die Rolle des Islams für
das Dritte Reich

https://www.lz.de/lippe/detmold/20304908_Interview-Hitler-lobt-e-den-Islam-Dr.-David-Motadel-ueber-die-Rolle-des-Islams-fuer-das-Dritte-Reich.html

<https://www.kas.de/de/web/islamismus/die-islamische-gemeinschaft-milli-goerues-igmg>

منیره کاظمی

برگرفته از گاه‌نامه، نشریه زنان - شماره‌ی 97 مارس 2020